

بسم الله الرحمن الرحيم

محمد می آید...

بمناسبت دوازدهم ماه ربیع الاول روز تولد خورشید در زمین

ترا عز لولاک تمکین بس است - ثنای تو طه و یسین بس است
چه وصفت کند سعدی نا تمام - علیک الصلاة ای نبی و السلام
(سعدی)

محمد می آید...

اومی آید...

بلی او در دوازدهم، ماه ربیع می آید

او با خود ربیع قلوب، بهار جان ما و طراوت ایمان را همراه دارد

او چه کسی است؟

او از ذریه ابراهیم خلیل، (بزرگترین بت شکن تاریخ) و...

و از اولاد اسماعیل فیح و از سلسله دیگر سفیران الهی است

او آخرین بشر توحید و آزادی برای همه مردم تا روز قیامت و...

پیام آور عدالت و معلم اخلاق در زمین است...

او حامل بار سنگین امانت الهی و رابط خالق با مخلوق است

او همان است که همزمان با تولد آن زمین تکان سخت می خورد

و طاق کسرا، شکسته میشود

و از تشعشع طلوع پر درخشش این آفتاب در زمین

آسکده آذربه خاموشی میگراید

او درین شب دیجوری و ظلمانی ...

نوید صبح صادق نورانی را به انسان هدیه می آورد

تا دیگر انسان مادر تاریکی شرک، خرافه و ستم باقی نماند

او می آید تا کعبه را مانند معمار اولیه آن (ابراهیم)

خانه توحید، سبیل وحدت، و رمز آزادی و عدالت قرار دهد

او می آید تا به بشر ندهد که:

سجده و کرنش فقط در برابر "الله" نه غیر؟!!

نه "طاغوت" !

نه "کاهن"!

نه "امپراطور"!

ونه "زر" نه "تزویر" و نه "زور"

او کسی است که بشارت آنرا دیگر سفیران الهی قبلآ داده بودند

او همان است که نام زیبای آن

قبلا ثبت دیوانهای الهی (تورات، انجیل و...) گردیده بود

بلی او "محمد" است

او هم "احمد" است

و او هم "محمود"

هان مردم! محمد می آید

تبر ابراهیم برشان

عصای موسی بردست

قلب مسیح در سینه

عزم نوح در اراده

صبر ایوب در دل

زیبائی یوسف در رخسار

امید یعقوب در خاطر

حکمت لقمان بر لسان

و حکومت داود و سلیمان در سایه اسی قرآن در سر...

اومی آید.....

بلی محمدی آید

اوبا "کتاب" و "حکمت"....

با "نور" و "هدایت"...

با "ذکر" و "بیان"

با "بشارت" و "اندرز"...

با "وعده" و "وعد"...

با "سرفغان" و با "سرفغان" می آید.

اومی آید تا شمشیر خونین جاہلیت را از دست بدستان و عربده کشان.....

و جاہلان و متعصبان کینه توز بسازند

و در عوض بدست آنها، کتاب (حکمت) و سلاح (صلاح) بسازد.....

اومی آید تا کینه توزیها را به دوستی و برادری عوض کند.....

اومی آید تا از "دیو" "فرشته".....

و از "حیوان"، "انسان".....

و از "وحشی" "متمدن".....

و از "دشمن"، "دوست".....

و از "سیکانه"، "آشنا".....

و از "طاعنی"، "رام".....

و از "عسلام"، "آزاده".....

و از "آزاده"، فقط بنده ای "الله" بسازد.

تا خاص "الله" را سجده و عبادت کند، نه عنبر را.
بلو محمد می آید...

او، از بطن تاریخ و از دامن پاک "آمنه" به زمین می آید.
او، در دوازدهم ربیع الاول قدم به زمین می گذارد...
او با قلبی که سرچشمه زلال معرفت الهی است و...
و با چهره به درخشش خورشید و خندانی صبح و زینانی ماه و...
و با نگاه‌های سرشار از محبت بانسان و موجودات طبیعت و...
و با نظری علو از شرم و عفاف...

و با زبانی فصیح، خداخوان و حق گوی و صدق و صفا...
و با بیانی گرم، گوارا و دلپذیر...

و با رفتاری توأم با تواضع، فروتنی و دوری از نخوت و غرور...
و با بیانی، پویا تر از باد و نستوه تر از کوه و...
و با دستی نواز شکر بر تیمم و غریب و سخاوتمند بر همه و...

و برای اتمام مکارم عالی اخلاق در زمین می آید...
و مرده باد به همه انسان ها و دیگر موجودات روی زمین و...
که محمد می آید...
بلی محمد می آید....

تا پنجره های "شب"، "شکر"، "سک" و "شیطان" رابسته نماید...
و دروازه های "روز"، "توحید"، "ایمان" و "رحمان" را بروی همه بگشاید.
صلوٰة و درود خداوند، ملائکه و همه مومنین بر او باد.

والسلام و علیکم ورحمت الله وبرکاته

پایان

محمد عزیز (عزیزی) - لندن

یکشنبه ششم ربیع الاول سال هجری - قمری 1431

مطابق به 21-02-2010

hmaazizi@yahoo.co.uk